

چند نکته در چندو چون مکتوبات سینمایی

پرده سربی



سیدکریم محمدی

تا مدت‌ها به سینماورها و سینماخوان‌ها و سینمادوست‌ها که می گفتی شما چرا کتاب نمی‌خوانید و صرفا به تجارب بصری خود اکتفا کرده‌اید، پاسخ نسبتا درخوری در آستین داشتند: «کو کتاب؟» توجیه مناسبی به نظر می‌رسید. بازار نشر ایران، هنوز به انتشار آثار سینمایی، چه فیلمنامه‌ها و چه مباحث نظری سینما، تن نمی‌داد. انگار سینما چیزی بود صرفا برای روی پرده و سینمای مکتوب محلی از ارباب نمی‌داشت، هر سینماگری یافته‌ها و انباشته‌های بصری خود را کافی می‌دید برای فعالیت در جهان جادوی تصاویر و اگر هم کافی نمی‌دید در بسیاری از مواقع، مجبور بود به همان‌ها اکتفا کند. اما حقیقتا مدت‌هاست ماجرا روی دیگری دارد. دیگر هیچ علاقه‌مند به سینمایی نمی‌تواند از فرهنگ کتاب‌ناخوانی خود با توجیهی پیش گفته، مظلوم‌نمایانه دفاع کند. شاید از اواخر دهه هفتاد شمسی تاکنون، بیش از نیمی از کتاب‌هایی که علاقه‌مندان به سینما «باید» بخوانند منتشر شده باشد. اما سینمایی‌ها همگام با انتشار این کتاب‌ها، به حیات مکتوبات سینمایی کمکی کرده‌اند؟ تیراژ کتاب‌ها و کم‌رونتوشدن توجه ناشران به آثار سینمایی، چیزی جز این را می‌گوید.

آذر پارسال بود که انتشارات علمی و فرهنگی، به‌عنوان یکی از بنگاه‌های نشر که توجهی ویژه به آثار سینمایی دارد، طی تفاهنامه‌ای که با بنیاد سینمایی فارابی امضا کرد، متعهد شد این توجه را بیش از پیش نشان دهد. امضای چنین تفاهنامه‌ای، فی‌نفسه، اتفاق مبارکی بود، اما از این رو می‌تواند مبارک‌تر باشد که ایسن همکاری منجر به استقرار انسجامی در حوزه ترجمه شود. به عبارت دیگر، گسترش کمیت آثار سینمایی موجود در بازار حتما اتفاق خوبی است، اما توجه ویژه به اولویت‌ها، جلوگیری از موازی‌کاری‌ها و از این رو ممانعت از هدررفت هزینه‌ها و... می‌تواند چنین تفاهنامه‌هایی را به‌بینه‌تر کند. مشکلی که مدت‌هاست نشر آثار سینمایی از آن رنج می‌برد این است که نهادی، موظف به پوشش انتشار آثار سینمایی و ترجمه متون بسیار مهم و مرجع و واجب نیست و موسسه‌های انتشاراتی از روی ملاحظاتی جز اولویت‌ها، کتاب منتشر می‌کنند و در این میان بنیاد سینمایی فارابی، به‌عنوان نهادی عرض و طویل، می‌تواند متولی استقرار چنین انسجامی باشد.

بدیهی است که ناشران خصوصی آثار سینمایی بخوانند به جای انتشار کتاب‌هایی در مبنای سینما که مخاطبان محدودی دارند، به انتشار ترجمه‌هایی از فیلمنامه‌های مهم و پرطرفدار جهان روی بیاورند. اما در همین چند ساله نیز ناشرانی از بخش خصوصی در کنار انتشار چنین فیلمنامه‌هایی، کتاب‌هایی بسیار سودمند در فلسفه و تئوری سینما ترجمه و تالیف و منتشر کرده‌اند. بنابراین می‌توان به این چرخه، به‌عنوان فرصتی کارآمد نگاه کرد؛ یعنی ناشران دولتی چون سروش یا فارابی که می‌توانند کمتر به فکر بازگشت سرمایه باشند و هدفی متعالی را هم از نشر آثار سینمایی دنبال می‌کنند، به آن آثار بپردازند و رقابت در عرصه انتشار کتاب‌های پرمخاطب‌تر را رها کنند تا ناشر بخش خصوصی از انتشار همان چن قلم کتاب سینمایی نیز ناامید نشود.

شیوا مقاللو دبیر مجموعه‌برترین فیلمنامه‌های سینمای جهان از فیلمنامه‌نویسی و نشر آثار سینمایی می‌گوید

فیلمنامه‌ها و خاطراتی که برایمان ساخته‌اند

لیسانسش را سینما خوانده با گرایش تدوین و کارشناسی‌ارشد را نیز کارگردانی خوانده است. مدت‌ها هم در دانشگاه، تدوین و کارگردانی و فیلمنامه‌نویسی درس داده است. علاوهبر اینها نویسنده و پژوهشگر برنامه تلویزیونی «سینما پنج» و داور چند جشنواره سینمایی و انیمیشن هم بوده است. هر چند شیوا مقاللو، به‌عنوان مترجم ادبیات داستانی و داستان‌نویس هم، از چهره‌های پرکار است، اما تازه‌ترین فعالیت چشمگیر او، مربوط به ویراستاری و سرپرستی مجموعه برترین فیلمنامه‌های سینمای جهان در نشر «سفیدسار» است؛ مجموعه‌ای که ۱۰ جلد از آن نیز در راه است. در آستانه آغاز به کار بیست‌ونهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و حضور چشمگیر ناشران آثار سینمایی، با شیوا مقاللو، مترجمی که بیش از این برای ترجمه کتاب مهم «ژانرهای سینمایی» نامزد دریافت قلم زرین بهترین ترجمه کتاب سال سینمای ایران شده، درباره فیلمنامه‌نویسی، موانع ورود آثار تئوریک به دانشگاه‌ها و... گفت‌وویی کرده‌ایم. [پنجشنبه گذشته گزارشی از ترجمه‌های تازه شیوا مقاللو منتشر کردیم که دچار اشتباهی در ذکر نام بازیگر اثر نمایشی «اسلیبی هالو» (تام میسن) بود؛ بدین وسیله تصحیح می‌شود]

طاہر محمدی

لیسانسش را سینما خوانده با گرایش تدوین و کارشناسی‌ارشد را نیز کارگردانی خوانده است. مدت‌ها هم در دانشگاه، تدوین و کارگردانی و فیلمنامه‌نویسی درس داده است. علاوهبر اینها نویسنده و پژوهشگر برنامه تلویزیونی «سینما پنج» و داور چند جشنواره سینمایی و انیمیشن هم بوده است. هر چند شیوا مقاللو، به‌عنوان مترجم ادبیات داستانی و داستان‌نویس هم، از چهره‌های پرکار است، اما تازه‌ترین فعالیت چشمگیر او، مربوط به ویراستاری و سرپرستی مجموعه برترین فیلمنامه‌های سینمای جهان در نشر «سفیدسار» است؛ مجموعه‌ای که ۱۰ جلد از آن نیز در راه است. در آستانه آغاز به کار بیست‌ونهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و حضور چشمگیر ناشران آثار سینمایی، با شیوا مقاللو، مترجمی که بیش از این برای ترجمه کتاب مهم «ژانرهای سینمایی» نامزد دریافت قلم زرین بهترین ترجمه کتاب سال سینمای ایران شده، درباره فیلمنامه‌نویسی، موانع ورود آثار تئوریک به دانشگاه‌ها و... گفت‌وویی کرده‌ایم. [پنجشنبه گذشته گزارشی از ترجمه‌های تازه شیوا مقاللو منتشر کردیم که دچار اشتباهی در ذکر نام بازیگر اثر نمایشی «اسلیبی هالو» (تام میسن) بود؛ بدین وسیله تصحیح می‌شود]

قصه و رمان و داستان، فی‌نفسه و ماهیتا می‌تواند برای مخاطبی که مجهز به تحصیلات آکادمیک و تسهیلات یک مخاطب حرفه‌ای ادبیات داستانی نیست هم جذابیت‌هایی داشته باشد؛ به عبارت دیگر، یک مخاطب کتابخوان معمولی می‌تواند به وسع خود از خواندن یک روایت داستانی لذت ببرد. به نظر می‌رسد اما فیلمنامه، به‌عنوان متنی واسط (متنی که قرار است براساس آن اثری سینمایی ساخته شود) در وهله اول، چنین وجه همه‌پسندی نداشته باشد. آیا می‌توان گفت انتشار فیلمنامه‌ها، صرفا برای مخاطب هدفی که پیگیر و درگیر سینماست اتفاق می‌افتد، یا همان جنس کتابخوانی که یک رمانی هم اتفاقی ممکن است بخواند، می‌تواند؛ باری، یک فیلمنامه به دست بگیرد و نه برای یادگیری فنون فیلمنامه‌نویسی و صرفا از برای لذت بخواند؟

دقیقا همین نقش بینایی فیلمنامه است که آن را به متنی خاص تبدیل می‌کند. درست است که ماهیت وجودی فیلمنامه براساس قابلیت فیلم‌شدن آن شکل می‌گیرد، یعنی اگر هدف نهایی ساخت یک فیلم نباشد، فیلمنامه هم معنا و اعتباری نخواهد داشت، اما این مسیر خطی بعد از ساخته‌شدن فیلم، معکوس می‌شود. یعنی هدف اولیه آن متن، فیلم‌شدن، دیگرگون می‌شود و حالا هدفی دیگر را دنبال می‌کند: خواننده و تحلیل‌شدن. همین نکته، تفاوت کلیدی فیلمنامه با نمایشنامه هم هست. نمایشنامه معمولا فارغ از دغدغه صرفاو حتمابه‌صحنه‌رفتن نوشته می‌شود. یعنی نمایشنامه‌نویس هنگام فوران خلاقیتش، لزوما روی اجراشدن متش یا شرایط اجرای آن تعلل یا ریسک نمی‌کند. یک متن نمایشی می‌تواند بارها چاپ و بارها خوانده شود تا اینکه عاقبت کارگردان و گروه مناسب خودش را پیدا کند. یک متن نمایشی می‌تواند سبک‌ها و رویکردهای مختلف، طی قرون مختلف، و توسط ده‌ها و ده‌ها گروه، با تفاسیر مختلف روی صحنه برود. یعنی آنقدر خوانده و بررسی شود تا نهایتا شیوه اجرای مشخص خودش را پیدا کند. بنابراین متن نمایشی در ابتدای تولید، بالقوه مخاطب بیشتری دارد و بهتر می‌تواند به‌عنوان یک متن «ادبی» مهیای خوانده‌شدن، مطرح شود. اما فیلمنامه بیشتر نیاز به تضمین ساخت دارد. یعنی بهترین فیلمنامه جهان هم تا وقتی فیلمش ساخته نشود، جذابیت و کششی برای خوانده‌شدن توسط مخاطبان نخواهد داشت. ضمنا معمولا یک فیلمنامه به شکل اختصاصی برای

پری‌ناز ایزدیار از ژاپن به اسکار می‌رود!

گروه سینما، ژاپنی‌ها جشنواره‌ای دارند با عنوان «کوتاه کوتاه»؛ همان‌طور که از نامش برمی‌آید، مربوط به تولیدات کوتاه سینمایی است و مهم‌تر اینکه این جشنواره یکی از مسیرهای رسیدن به اسکار ۲۰۱۷ است. امسال فیلم کوتاه داستانی «جای من رو توی اتاق بنداز» از تولیدات مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی به کارگردانی امیر تودهر وست، به بخش مسابقه این جشنواره راه یافته است. «جای من رو توی اتاق بنداز»، در بخش «مسابقه آسیا»ی این جشنواره به نمایش درخواهد آمد. پری‌ناز ایزدیار، برنده سیمرغ بهترین بازیگر نقش اول زن از جشنواره فیلم فجر اخیر، یکی از نقش‌های اصلی این فیلم را بازی می‌کند.

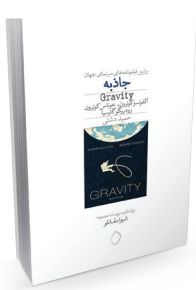


ما فیلمنامه است، اما سال‌هاست سینماگران ما کمتر به سراغ خواندن الگوهای موفق می‌روند.

موانع ورود کتاب‌های نظری و تئوریک حوزه سینما که در سال‌های اخیر ترجمه و منتشر شده‌اند به دانشگاه‌ها چیست؟ و منتشر شده‌اند به دانشگاه‌ها چیست؟ چرا آکادمی هنر ما، در برابر پذیرش این متون جدید مقاومت می‌کند؟ متاسفانه آکادمی‌های رسمی ما در برابر هر ظهور جدید و نیروی جوانی مقاومت می‌کنند. خیلی از کتاب‌های نظری سینمایی ما نوشته و ترجمه افراد باسوادی خارج از آکادمی‌های رسمی است، بنابراین از سوی استادان رسمی و جاقفاده جدی گرفته نمی‌شوند یا با حب و بغض مواجه می‌شوند. اما اگر کتاب تئوریکی ترجمه خود اعضای هیات‌علمی دانشگاه باشد، فارغ از ارزش علمی‌اش، حتما و اجبارا به دسترس می‌شود. من همیشه متون و قدرشناس معدود استادان به‌روز و باسواد سینما هستم که با علم روز آشنایند و کتاب‌های جدید را می‌خوانند و ترجمه یا به سایرین معرفی می‌کنند، اما متاسفانه بخش رسمی و قدیمی آکادمی خودشان هم چندان با علم روز دمخور نیستند که بتوانند نسبت به کتاب‌های رقیبا هم سعه صدر به خرج دهند و معرفی‌شان کنند. نتیجه می‌شود نوعی خودگی آکادمیک که اعضای رسمی‌اش نه خودشان کاری می‌کنند و نه کار سایران را قبول دارند.

شما سرپرست ترجمه و انتشار فیلمنامه‌هایی در یک نشر هستید. این اتفاق (انتشار فیلمنامه‌های برتر تاریخ سینما به صورت مجموعه) پیش از این هم رخ داده است، مثلا در نشر «تی» و زیر نظر هوشنگ گلمکانی. این سری که شما منتشر می‌کنید، براساس نتیجه کدام نیازسنجی و برای مرتفع کردن کدام خلأ شکل گرفته است؟

من در ابتدای قبول این سمت، استراتژی مشخص و روشی را با همکاری و مجموعه «آلفونسو کوثرون و... مترجم: حمید دشتی ناشر: سفیدسار سرپرست مجموعه: شیوا مقاللو» می‌کند یا نگاهی دقیق و درست به سراغ نوشتن و فیلم‌ساختن بروند. اگر همین متن‌های موجود در بازار کتاب چندساله اخیر به‌دقت خوانده و الگوی کار قرار گرفته شوند، این همه فیلمنامه اشتباه و بی‌ربط در سینمای حرفه‌ای ایران نوشته نمی‌شود. سال‌هاست مشکل اصلی سینمای



جاذبه

نویسنده: آلفونسو کوثرون و... مترجم: حمید دشتی ناشر: سفیدسار سرپرست مجموعه: شیوا مقاللو

راهنمای کوچک خرید کتاب سینمایی از نمایشگاه کتاب

سینمایی» نشر چشمه نیز که سال‌های گذشته منتشر شده‌اند، در نمایشگاه عرضه خواهند شد.

من در نشر نیز «مفاهیم نقد فیلم» مجید اسلامی از دیگر کتاب‌هایی است که می‌توان از نمایشگاه خرید. اما نشر قطره، «سریر خون (۵۹)» نوشته آکیرا کوروساوا یا ترجمه مجید داودی را از مجموعه «۱۰۰ سال سینما، ۱۰۰

فیلمنامه» به نمایشگاه خواهد آورد؛ مجموعه‌ای محبوب که البته مدتی است روند انتشار آن متوقف مانده است. «نقش زن در ادبیات سینمای ایران» نیز دیگر کتابی است که از این ناشر به نمایشگاه خواهد آمد.

انتشارات هرمس که تا مدت‌ها به‌عنوان ناشر پرکار آثار سینمایی شناخته می‌شد، امسال همچنان با همان مجموعه «تک‌نگاری فیلم‌اش» به نمایشگاه می‌آید بدون آنکه اثری به این مجموعه افزوده باشد.

#

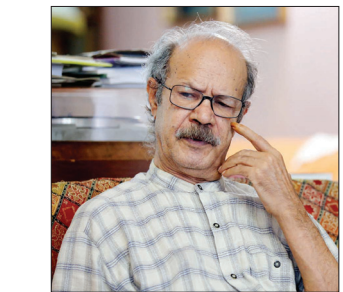


تاریخ سینما

۱۰ سال از آخرین چاپ ترجمه هوشنگ آزادی‌ور از «تاریخ جامع سینمای جهان» گذشت

«الف» تا «ی» سینما در محاق

فرهیختگان، اولین و کامل‌ترین کتاب تاریخ سینمایی که تاکنون به زبان فارسی ترجمه و منتشر شده، مسلما «تاریخ جامع سینمای جهان» نوشته دیوید ا. کوک با ترجمه هوشنگ آزادی‌ور است؛ کامل‌ترین، نه اینکه ما به قضاوتش نشستیم باشیم، کتاب خود این را می‌گوید، چون هر آنچه را سینما از ابتدا تا سال ۱۹۹۵ پرداخته نه به گزینش، بلکه به تمام و کمال در خود گنجانده است. مدت‌ها این اثر، جزء کتاب‌هایی بوده که در دانشگاه‌های ایران تدریس می‌شده و منبع اصلی تاریخ سینما بوده، اما چند سالی است مجوز چاپ سوم آن در اداره کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با مشکل روبه‌رو شده است. این اتفاق و طولانی‌مدت‌شدن آن باعث شده آکادمی هنر ما، مجبور به انتخاب منبعی دیگر برای تدریس تاریخ سینما باشد. از همین رو «تاریخ جامع سینمای جهان» به‌عنوان منبعی بسیار سودمند، از چرخه آکادمی ما دور مانده است. دقیقا برعکس دیگر ترجمه مهم آزادی‌ور از کتاب سه جلدی «تاریخ تئاتر جهان» که همچنان تنها منبع دانشگاهی در تاریخ تئاتر است. هوشنگ آزادی‌ور، مترجم نام‌آشنای «تاریخ جامع سینمای جهان»، چهار سال برای ترجمه این مرجع مهم عمر صرف کرده است. او به «فرهیختگان» می‌گوید از اصلاحاتی که به کتاب وارد کرده‌اند، متعجب است چراکه این موارد از مفهوم سینما جداناشدنی است: «برخی از واژه‌های مورد ایراد از این دست را اگر از سینما بگیریم، چه باقی می‌ماند؟ مگر سینما چیزی جز اینهاست؟! تازه، اینها که فقط واژه‌اند و روی کاغذ. اگر موسیقی و ساز محل ایراد است، وقتی است که به عمل بیاید و مطربی‌ای رخ دهد، اما با کلمه مگر می‌شود به عمل مطربی رسید؟» شاعر مجموعه شعرهای «پنج‌آواز برای ذوالجناح» و «هر قلبی که می‌تپد عاشق نیست، شاید فقط پمپ خون باشد»، «تاریخ جامع سینمای ایران» را سرمایه مالی و معنوی خود می‌داند؛ کتابی که به زعم او ترجمه‌اش از متن اصلی حجیم‌تر است، چون او به عکس‌های محدود کتاب اکتفا نکرده و از ۲۰ منبع دیگر برای تکمیل اطلاعات و عکس‌های فیلم‌ها باری گرفته است؛ منابعی که حالا دسترسی به اغلب آنها مقدور نیست.



کوک و آزادی‌ور

«تاریخ جامع سینمای جهان» آخرین اثری است که هوشنگ آزادی‌ور ترجمه‌اش کرده است؛ می‌گوید اتفاقی که برای این کتاب افتاده، رقم ترجمه را از او گرفته و پس از آن، هیچ‌گاه دست به ترجمه نزده است. اتفاقی که مترجم این کتاب از آن به‌عنوان «لطمنهای عاطفی و مالی» برای خود و ناشرش (چشمه) یاد می‌کند، نه تنها برای ایسن دو، برای دانشجویان و استادان رشته سینما نیز خسرانی بوده است؛ همان‌ها که مترجم و ناشر این کتاب می‌گوید تا مدت‌ها پیگیر تجدید انتشارش بوده‌اند. حالا هم مترجم کتاب امیدوار است به خاطر آنها هم که شده این کتاب تجدید انتشار شود. این مستندساز، پژوهشگر سینما و مترجم نمایشنامه‌های مهمی چون «رومئو و ژولیت» «شب جانشینکاران» و «گوروس» در اهمیت و تفاوت «تاریخ جامع سینمای جهان» با کتاب‌هایی از دست خودش که پس از آن منتشر شده‌اند، می‌گوید: «کتاب‌های دیگر، بیشتر مبتنی بر نقد و بررسی‌اند و از همین رو به گزینش بهترین‌ها پرداخته‌اند تا به کار منتقدان سینمایی بیایند، اما این کتاب، به معنای دقیق کلمه، تاریخ سینما را تدوین کرده است. همه فیلم‌ها براساس طبقه‌بندی‌های موضوعی و تاریخی، دسته‌بندی اطلاعاتی شده‌اند. حتی تغییر و تحولات تکنولوژیک سینما در قالب تاریخ روایت شده است. علاوهبر این، همه کشورهایی که سینما دارند، حتی کشورهایی که ما شاید نام‌شان را نیز نشنیده باشیم، در این کتاب بررسی شده‌اند. نویسند به سینمای ایران و به‌خصوص به سینمای پیشروی ایران نیز پرداخته است»

وقتی تاریخ سینما خطرناک می‌شود!

«نه سیاسی است نه حساسیت‌های دیگر را برمی‌انگیزد»، وقتی این را می‌گوید می‌پرسم از اینکه چه دلایلی می‌تواند چنین کتابی را به محاق برده باشد، حدس خودش چیست. می‌گوید: «نمی‌توانم دقیقا بگویم. بسیاری از مباحث این کتاب هر روز در مطبوعات، تلویزیون و سینما و رسانه‌ها از زبان این و آن مطرح می‌شود و ظاهرا دچار هیچ مشکلی نیست. من حتی همه عکس‌ها را خود هنگام صفحه‌آرایی تصحیح کرده‌ام تا مشکلی نداشته باشد. اصلا اگر اینها مشکل ساز بود، چطور کتاب دو بار زیر چاپ رفته است؟» آزادی‌ور معتقد است برکنارم‌اندن این کتاب از بازار نشر، با اینکه کتابی است مورد استفاده عموم علاقه‌مندان به سینما، بیشترین صدمه را به دانشجویان سینما می‌زند، چراکه معتقد است دانشجویان سینما در کنار همه مباحث تئوریک، تاریخ سینما را حتما باید بلدانند؛ تاریخی که فعلا به خاطر اصطلاحاتی چون «موزیکال»، اجازه تجدید انتشار ندارد!

ناشر: قول بررسی مجدد داده‌اند

مترجم کتاب می‌گوید حتی حاضر شده است اصلاحات را انجام دهد، اما از آنجا که اعمال اصلاحات یک کتاب هزارا۳۰۰ صفحه‌ای، هزینه‌زا خواهد بود و این کتاب به خودی خود، کتابی گرانبهیم است، شاید ناشر منتظر است تا اصلاحات پیشین مربوط به دولت نهم و دهم، لغی شود و کتاب بی‌تغییر به چاپ بعدی برسد، انتظاری که ۱۰ ساله شده است. اتفاقا حواشی که به ناشر و مترجم تحمیل شده، نکته‌ای است که برای برسان فعلی وزارت ارشاد دولت جدید نیز مایه شگفتی بوده است.

بهرنگ کیبایان از نشر چشمه نیز در گفت‌وگو با «فرهیختگان» این را تایید می‌کند و درباره آخرین وضع کتاب «تاریخ جامع سینمای جهان» در اداره کتاب می‌گوید: «البته تجدید انتشار جلد اول این کتاب، پلانم‌ع است و تنها اصلاحاتی بر جلد دوم آن وارد شده است، اما طبیعی است که انتشار هر دو جلد با هم باید اتفاق بیفتد.» او می‌گوید تاکنون بارها مذاکراتی داشته‌اند و در واپسین وعده، قرار بر این شده است که مجددا این کتاب بررسی و پس از روزهای برگزاری نمایشگاه کتاب تهران، پاسخ و تصمیم نهایی اعلام شود.